

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۰۲۱ اکتوبر

انتقام "ملاسالاری" از معارف عصری!

(۱)

چهارشنبه - ۱۴ میزان ۱۴۰۰ - کابل: به دنبال سخنرانی دو روز قبل "ملا باقی حقانی" به اصطلاح سر پرست وزارت تحصیلات عالی و اهانتی که به کلیت معارف افغانستان روا داشت و صریحاً اعلام داشت که دانش آموخته های ۲۰ سال از آنجائی که با ارزش های حاکمیت طالب پرورش نیافته اند "به درد ما نمی خورند" و به علاوه دیروز ۱۳ میزان که از دهه ها بدین سو به مثابه "روز معلم" بزرگداشت و تجلیل می گردد، به اصطلاح وزارت تعلیم و تربیه حاکمیت طالبی کمترین اعتنائی به این روز و مقام شامخ معلم در جامعه که حتا از نظر اسلام به گفته خلیفه چهارم مسلمانان "علی بن ابی طالب" که گوید: "من علمنی حرفا فهو مولای" نکرد و بسیار زیرکانه اما رذیلانه سعی دارند با نپرداختن معاش معلمان و گرسنگی دادن، آنها را وادار به ترک وضفه نمایند؛ در رسانه ها بحث هایی به ارتباط گفته های "ملا باقی حقانی" به راه افتاده است که به نظر من هیچ یک از آن بحث ها آگاهانه و یا نا آگاهانه نمی خواهند وارد بنیاد و اساس چنین طرز قضاوت هائی بگردند و همه تلاش می ورزند تا بحث ها و اندکی انتقاد را متوجه شخص "ملا باقی حقانی" نمایند. در یادداشت کنونی توجه شما را به همین بحث از منظر خودم جلب می نماید:

۱- نخستین نکته ای که به مثابه درآمد بحث می باید بدان پرداخته شود، صحه گذاشتن و تصدیق حرف "ملا باقی حقانی" است. نامبرده بدرستی و دقیق آگاهانه و یا نا آگاهانه می گوید که فارغ التحصیلان دو دهه اخیر "به درد ما نمی خورد"، نمی دانم بیان این واقعیت چرا به دماغ برخی ها بد خورده این بیچاره را که از نشان دادن رخسار کریه خودش خجالت می کشد و حجاب اناث را بر ذکور - اگر مخنث نباشد - نیز تحمیل می دارد، مورد انتقاد قرار می دهند.

به نظر من او نه تنها حرف نادرستی نگفته است، بلکه حرف کاملاً علمی و بجائی نیز از دهنش بیرون شده است. منتها باید فهمید چرا چنین گفته است. وی با حرکت از این اصل که هر برنامه آموزشی و هر نصاب تعلیمی شاگردان را برای فردائی آماده می سازد که جهت تکامل، گسترش و پیشرفت آن نظام ضروری باشد، آگاهانه گفته که نظام مستعمراتی گذشته با تدریس ارزش های معتبر نزد استعمار، شاگردان را قسمی بار آورده است که خادم همان نظام مستعمراتی باشند و این دقیقاً همان چیز است که حاکمیت "ملاسالاری" نمی خواهد. حاکمیت ملاسالار می خواهد، نصاب تعلیمی شاگردی را پرورش دهد که معتقد باشد: "زمین مسطح است و بر شاخ گاو قرار دارد، جهاز تفکر انسان قلب انسان است، منی از کمر به وجود می آید، خدا کل کاینات را در ۶ روز خلق نموده است، در آخرت و بعد از دمیده شدن سور،

خدا بر عرش جلوس می نماید، تساوی مرد و زن غلط است زیرا در قرآن آمده است که بعضی تان را بر بعضی تان برتری داده ام و ... " هم چنین بحث های آنها نیز چنین مطالبی باشد "برسر یک نوک سوزن چند ملک ایستاده شده می تواند، برتری چوب مسواک بر طب عصری حفاظت از دندان " و ...

۲- همان طوری که قبلاً نیز نگاشته ام جنگ بین معارف عصری و مدارس مذهبی در افغانستان حد اقل سابقه صد ساله دارد این جنگ تنها به تقابل برنامه ها و نصاب های درسی محدود نمانده، به مرور زمان بر مبنای سلطه سیاسی طرفداران کدام یک از نصاب های تعلیمی، در مناسبات بین خود طرفداران و مجریان این و یا آن نصاب و همچنین در مناسبات مردم با آنها نیز تأثیر گزارد در برخی از مقاطع شکل مبارزه طبقاتی نیز به خود گرفته است.

به صورت مثال وقتی یک معلم به مثابه نماینده معارف عصری در یکی از مکاتب ولسوالی ها و از آن طریق علاقه داری ها مقرر می شد، از موضع یک نماینده معارف عصری با قشر ملا، عمدتاً با دو احتمال روبه رو می گردید، یا ملا بزرگترین زمیندار و خان منطقه هم بود و یا این که ملا به مانند سلمان و پاده وان، از طرف مردم تأمین مالی شده در نتیجه نوکر مردم بود.

در صورت اول مسلم بود که وقتی معلم علیه مناسبات فرتوت فئودالی، استثمار شدید دهقانان به وسیله خوانین و ... صحبت می نمود عملاً خودش را در تقابل با "فئودال -ملا" قرار می داد در حالی در نوع دوم، عدم وابستگی معلم به کمکهای مردم و عکس آن وابستگی ملا به کمکهای مردم، موجب تحقیر دوامدار و پیدایش عقده حقارت در ملای ده علیه معلم می شد. یعنی در حالی که معلم کارمند دولت و مهمان قریه به شمار می رفت، ملا نوکر قریه بود و عنداللزوم می بایست آفتابه لگن را نیز بیاورد.

ادامه دارد.